

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 2, Spring 2020, 109-125
Doi: 10.30465/crts.2020.5259

A Critical Review of the Book “*Female Calligraphists of Iran, from Zainab Shahdad to Umme Salama*”

Mostafa Rostami*

Moeine Sadat Hejazi**

Abstract

Today, the debate on women-related issues has come to prominence as an international discourse. Discussing women’s issues as a large demographic group of the society can be conducive to promoting various social, cultural, economic, and political dimensions. Given the scant attention paid to the instrumental role of women in various aspects of social, family, economic, political, cultural, and artistic activities, the gap of such studies is particularly felt in countries such as Iran. In recent years, Iranian women have been struggling to achieve their proper status. The great potentials of women in diverse cultural and artistic fields of activities are not unknown to anyone. The book, “*Female Calligraphists of Iran*” by Tahereh Molamohammadi, is one of the first works attempting to recognize Iranian women and cultivate their potentials. The introduction of the character and works of the female calligraphists in the history of Islamic era in Iran is the major contribution of this seminal book. The present study aims to take a critical approach at “*Female Calligraphists of Iran*” through an analysis of its content.

Keywords: Book Review, Female Calligraphists of Iran, Molamohammadi, Calligraphy

* Assistant Professor of Handicrafts and Art Research, University of Mazandaran, Iran (Corresponding Author), M.rostami@umz.ac.ir

** MA in Islamic Art, Faculty Member (Instructor) of Handicrafts Department, University of Bojnord, Iran, M.hejazi@ub.ac.ir

Date received: 2019-10-11, Date of acceptance: 2020-03-02

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقدی بر کتاب بانوان خوش‌نویس ایران، از زینب شهده تا ام سلمه

مصطفی رستمی*

معینه‌السادات حجازی**

چکیده

در دوره حاضر، گفتمان مسائل مرتبط با زنان به‌مثابه گفتمانی مطرح در عرصه بین‌المللی مهم است. مطرح کردن مباحث مربوط به زنان در جایگاه بخش اعظمی از جمعیت جامعه می‌تواند در ارتقای سلامت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی مؤثر باشد. از آن‌جا که به فعالیت‌های بانوان در ابعاد گوناگون اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، و هنری کم‌تر توجه شده است، ضعف چنین مطالعاتی در ایران بیش‌تر به چشم می‌خورد. در سال‌های اخیر زنان ایرانی در دستیابی به جایگاه حقیقی خود کوشیده‌اند. ظرفیت بانوان در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و هنری برای عوام و خواص پوشیده است.

کتاب *بانوان خوش‌نویس ایران*، نوشته طاهره ملامحمدی، از جمله آثاری است که گامی برای شناخت و بستری برای باورمندی زن ایرانی فراهم کرده است. معرفی شخصیت و آثار خوش‌نویسان بانوی ایرانی در تاریخ دوران اسلامی در ایران حرکت ارزش‌مند ایشان در نگارش این کتاب است. پژوهش حاضر کتاب *بانوان خوش‌نویس ایران* را از نظر ظاهری و محتوایی بررسی و نقد کرده است.

کلیدواژه‌ها: نقد کتاب، *بانوان خوش‌نویس ایران*، ملامحمدی، خوش‌نویسی.

* دکترای پژوهش هنر، استادیار و عضو هیئت علمی گروه صنایع دستی و پژوهش هنر، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)، M.rostami@umz.ac.ir

** کارشناس ارشد هنر اسلامی، عضو هیئت علمی (مربی) گروه صنایع دستی، دانشگاه بجنورد، M.hejazi@ub.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

۱. مقدمه

الگوهای نقش جنسیت طی تاریخ عمدتاً به مردان اجازه حفظ نابرابرانه امتیاز اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی را داده‌اند و از وضعیت موجود سود برده و چندان برای تغییر علاقه نداشته‌اند (رابرتسون ۱۳۷۷: ۲۸۲).

نیمی از جمعیت هر جامعه‌ای را زنان تشکیل می‌دهند، بنابراین در توان‌مندی و توسعه هر جامعه نقشی تعیین‌کننده دارند. کاهش حضور زنان در مقایسه با مردان در جامعه به دلیل موقعیت اجتماعی و تفاوت‌های مذهبی است تا عواملی هم‌چون فقدان کارآمدی یا نداشتن استعداد و قابلیت‌های ذاتی زنان. طی تاریخ هنر زنان بیش‌تر در هنرهای کاربردی پیوسته با زندگی روزمره شکل گرفته است (حسنوند و مهدی‌پور ۱۳۹۲: ۲۱). هر جامعه به‌فراخور عادات و باورهای فرهنگی و اجتماعی نقشی را برای جنس زن و مرد تبیین می‌کند.

هنر در عام‌ترین تعریف خود ظهور و تجلی استعدادهای فطری و زیبایی‌طلب انسان در قالب آثار هنری است. مفاهیمی که به‌تمامی ذاتی انسان محسوب می‌شوند (بلخاری ۱۳۸۹: ۱۷۱) و منحصرکردن آن به جنسیتی خاص خلاف واقع است.

سکوت منابع تاریخی درباره زنان، کسب اطلاعات صحیح درباره اوضاع و احوال زنان، آگاهی از میزان مشارکت زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و نیز فعالیت‌های هنری در جوامع گذشته را با مانع مواجه می‌کند. باوجود سکوت منابع، نمی‌توان نقش زنان را نادیده گرفت. باید این واقعیت را پذیرفت که سکوت منابع صرفاً به‌دلیل نقش‌آفرینی نکردن زنان نیست. زنان کم‌وبیش پنهان‌و‌آشکار، بنابر موقعیت اجتماعی و فرهنگی خود و خانواده‌شان، در برخی امور خارج از وظایف محوله در محیط خانه و خانواده فعال بوده‌اند (احمدی ۱۳۸۳: ۱۹).

منابع و مستندات علمی در مباحث تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، و هنری زنان ضعیفی شدید دارد. کتاب *زنان هنرمند در قرن بیست‌ویکم*، نوشته اوتا گروزنیک با ترجمه میترا جمالی، از معدود کتاب‌ها در زمینه معرفی زنان هنرمند است. ملامحمدی کتاب دیگری به نام *بانو ضیاءالسلطنه؛ خوش‌نویس قاجاری تبار* را منتشر کرده است. این کتاب معرفی شخصیت و آثار ضیاءالسلطنه، دختر هفتم فتحعلی‌شاه، است و در سال ۱۳۹۶ با همکاری پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و کاخ گلستان چاپ شده است. متن این کتاب مشتمل بر زندگی‌نامه و ابعاد شخصیتی ضیاءالسلطنه، آثارش هم‌چون سه قرآن، انواع مکاتبات داخلی و خارجی وی، قبالة ازدواج، و نقشه محل دفن این بانوی خوش‌نویس قاجاری است.

تیتوس بورکهارت، در کتاب هنر مقدس، خوش‌نویسی را از جمله شریف‌ترین هنرهای بصری در جهان اسلام برمی‌شمرد و کتابت قرآن را هنری مقدس و خوش‌نویسی را نمودگار جسم مرئی کلام الهی می‌داند (بورکهارت ۱۳۷۶: ۱۵۰).

نوشتن و ثبت کلام‌الله ارزشی بس والا در میان مسلمانان دارد. پیامبر اسلام فرمود: «کسی که قلمی را بتراشد و با آن درباب علم و دانش چیزی بنویسد، خدا درختی در بهشت به او عطا کند و آنچه در آن است بهتر باشد» (جمشیدی ۱۳۸۵: ۵).

خوش‌نوشتن در ابعاد مختلفی تأثیرگذار است. زیبایی و حسن خط رغبت مخاطب را برای خواندن متن می‌افزاید و موجب ارجمندی نویسنده در نگاه مخاطبان می‌شود. به همین دلیل، نویسندگان و کاتبان، به‌ویژه کاتبان وحی، منزلت اجتماعی بالایی در جامعه دارند. خوش‌نویسی در میان هنرهای اسلامی معرف مذهب، آینه دین، و حافظ و توسعه‌دهنده علم و دین بوده است. از این رو، بخش درخور توجهی از هویت مذهبی و اجتماعی هنرمندان مسلمان در کتابت منعکس می‌شود. آنچه مسلم است، حافظه تاریخ مردسالارانه کم‌تر نامی از هنرمندان زن در عرصه تاریخ هنر جهان و هنر اسلامی به‌یاد می‌آورد. با تفکیک هنرهای زیبا از هنرهای سودمند هم‌چون سفال‌گری، گل‌دوزی، دوخت لباس، و پوشاک، که اغلب هنردست زنان بوده، این انفصال افزون شد. در غرب زنان پس از اولین جنبش‌های فمینیستی در تثبیت جایگاه اجتماعی خود در عرصه‌های هنری تلاش مضاعفی کردند تا در آینده نزدیک کتب تاریخ شاهد اسامی بیش‌تری از زنان هنرمند باشد. ضرورت پژوهش در حوزه هنر زنان به‌واسطه تأثیرات مثبت در باورها و توانایی‌های زنان در آحاد جامعه، زن و مرد، و جوان و نوجوان بر همگان روشن است.

در ایران پس از اسلام، هنر با رویکردهایی که از تفکرات و ایدئولوژی اسلامی دریافت می‌کرد، نقشی هویت‌بخش در جامعه مسلمان ایفا کرد. از زمانی که اولین امضاها از هنرمندان به‌جا ماند و در کتیبه‌ها نام‌های معماران، نقاشان، و خطاطان ثبت شد غالب اسامی متعلق به مردان بوده است. در این میان، هنرمندان زن مسلمان نقشی بسیار کم‌رنگ و هویت‌ناشناخته‌ای داشته‌اند. فقر گسترده اسناد تاریخی در این زمینه انجام پژوهش در مورد هنر زنان در ایران را مانند بسیاری از نقاط جهان تحت تأثیر قرار داده است. حضور هنرمندان زن در عرصه خوش‌نویسی و امر کتابت به‌واسطه ارتباط با سوادآموزی مسئله‌ای دوسویه قلمداد می‌شود. در گام اول داشتن سواد و توانایی خواندن و نوشتن برای زنان با محدودیت مواجه بوده است، پس از رفع این محدودیت گام بعدی یعنی خوش‌نوشتن معنادار می‌شود.

خردآموزی در دین زرتشت و بعد از ورود اعراب به ایران در دین اسلام هر دو امری پسندیده و مورد تأکید فراوان است. اما آنچه شواهد تاریخی نشان می‌دهد، کسب دانش در میان طبقه خواص و درباریان رواج داشته و آموزش مطالبه اجتماعی عامی نبوده است. مدارس از جندی شاپور تا دارالفنون همگی برای اقشار خاص جامعه و مختص مردان بود. کسب علوم گوناگون برای زنان درباری نیز جایگاهی نداشت. از علم‌آموزی برای زنان دربار فقط آموزش‌های دین‌مدارانه مطرح بوده است (مرادی ۱۳۹۶: ۱۶۰-۱۶۴).

پژوهش حاضر به روش توصیفی و با بهره‌مندی از مطالعات اسنادی و کتاب‌خانه‌ای انجام شده است. این پژوهش در سه بخش معرفی اثر، بررسی و تحلیل ابعاد شکلی کتاب، و بررسی و تحلیل محتوایی اثر نگارش شده است. این مقاله کتاب *بانوان خوش‌نویس ایران* را از نظر شکلی و محتوایی، با هدف شناخت قابلیت‌های زنان در عرصه فرهنگ، هنر، و علم‌آموزی در تاریخ ایران، بررسی و نقد کرده است. هدف اصلی نقد کتاب تعیین جنبه‌های مثبت و نقص‌های احتمالی شکلی، نگارشی، و محتوایی برای ارتقای سطح پژوهش در این حوزه است.

۲. طرح مسئله

آگاهی از میزان و نحوه مشارکت زنان توان‌مند و خودساخته ایرانی، که طی تاریخ در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، هنری، و... تأثیرگذار بوده‌اند، در هویت‌بخشی به جامعه به‌خصوص جامعه زنان و دختران ایرانی تأثیر مهمی دارد. سلسله تمام‌عیار نام مردان در اسناد و نسخ تاریخی و نیز معاصر کم‌تر مجال برای درخشش نام زنان باقی گذاشته است. از سوی دیگر، می‌توان این‌گونه در نظر آورد که تعداد کمی از زنان در وضعیت اجتماعی آن زمان از فرصت‌ها برای رشد در خارج از محدوده خانه و خانواده بهره برده‌اند. مسئله مهم وجود زنانی با فعالیت‌های مؤثر است، اما نویسندگان، مورخان، و دبیران طی تاریخ چندان که شایسته است آن‌ها را بررسی نکرده‌اند و در منابع به‌سهولت به نام آنان برنخواهیم خورد. بدین ترتیب، معدود کتاب‌ها و پژوهش‌ها در این زمینه ارزش دوچندان می‌یابد، زیرا پژوهش‌گر در قلمرو ناشناخته‌ها و ناگفته‌ها پا گذاشته است. کتاب *بانوان خوش‌نویس ایران* از معدود کتاب‌های ارزش‌مندی است که بانوان هنرمند و فعال در عرصه خوش‌نویسی ایران را معرفی و آثار آنان را بررسی می‌کند. چنین تلاشی در جای خود ستودنی است، اما

به‌طور قطع نقد منصفانه می‌تواند به تمییز سره از ناسره، تشخیص قوت‌ها و تأکید بر آن‌ها، و دانش دربارهٔ نقاط ضعف و تلاش برای رفع آن در ویرایش‌های بعدی یا سایر پژوهش‌های مرتبط باشد.

۳. معرفی اثر

کتاب بانوان خوش‌نویس ایران؛ از زینب شهده تا ام‌سلمه، به‌قلم طاهره ملامحمدی، را در سال ۱۳۹۳ انتشارات سمیرا در قطع وزیری با تیراژ هزار نسخه در نوبت اول چاپ کرد. این کتاب ۱۴۸ صفحه و ۲۹ تصویر در شرح احوال و آثار بانوان خوش‌نویس ایرانی دارد. نویسنده کتاب کارشناس ارشد مرمت اشیاء، خوش‌نویس، و امین اموال کتاب‌خانهٔ چاپی کاخ گلستان است. ملامحمدی در کتاب خود ابتدا به شرح کلیاتی دربارهٔ پیدایش خط، مراحل خوش‌نویسی، و ابزار کتابت و انواع آن اشاره دارد. وی در ادامه زنان خوش‌نویس ایرانی از زینب شهده تا گوهرشاد، مرجان، ضیاءالسلطنه، فخرجهان، خورشید کلاه، مریم بانو نائینی، هما نقاش، اسیری اردکانی، توران آغا، دختر مولی اصفهانی، زیب‌النساء بیگم، زینب‌السلطان، سلطان بسطامی، شاد ملک، عصمت قاجار، علویه خانم، مهرالنساء، مهربانو بیگم تا ام‌سلمه را معرفی کرده است.

ایرج نعیمایی عالی مقدمه‌ای بر این کتاب نوشته است. او بیش از سی سال است که در عرصهٔ خوش‌نویسی، به‌ویژه خط «محقق» و «ریحان»، حرفه‌ای فعالیت می‌کند. نعیمایی عضو وابستهٔ فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، عضو گروه پژوهشی شورای انقلاب فرهنگی، دبیر و بنیان‌گذار همایش کاتبان وحی، و رئیس شورای ارزش‌یابی هنر تهران بوده است و تاکنون بیش از ده‌ها عنوان کتاب و مقاله در حوزهٔ هنر و پژوهش هنر تألیف و تدوین کرده است. ایشان در ابتدای مقدمه می‌نویسد که زنان طی تاریخ به‌دلیل محدودیت‌ها، محرومیت‌ها، ممنوعیت‌ها، و مشکلات زیاد همواره نتوانستند پایه‌پای مردها در حوزهٔ هنر پیش روند، اما هر زمانی که فرصتی دست داد، توانستند قابلیت‌های انسانی خویش را هم‌پای مردان، حتی دقیق‌تر، به‌ظهور برسانند. زنان از هر فرصتی برای بروز توانایی‌ها و قابلیت‌های هنری‌شان کمال استفاده را برده‌اند (نعیمایی ۱۳۹۳). دیدگاه نعیمایی دربارهٔ محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های پیش‌پای هنرمندان زن طی تاریخ موضوعی حقیقی است. اما این سؤال مطرح است که زنان در بستر تاریخ تا چه میزان از فرصت‌ها استفاده کرده‌اند؟ چه میزان از این محدودیت‌ها جبر جامعه، فرهنگ، سنت، دین، طبیعت، و

جنسیت بوده است؟ و در چه مواردی محدودیت‌های فکری و انزوای ذهنی زنان جامعه در پذیرش نارسایی‌ها مسبب این امر شده است که امروزه منابع تاریخ هنر خالی از نام زنان هنرمند است؟ در ادامه مباحث، نعیمایی جایگاه بلند خوش‌نویسی در دین اسلام و توصیه پیامبر و معصومان به این هنر دیرپای را توضیح می‌دهد. وی از ابن‌مقله شیرازی در مقام اولین خوش‌نویسی نام می‌برد که اقلام سته را از بطن کوفی استخراج کرد و اولین ادامه‌دهنده راه وی را دخترش، «شاهده»، می‌داند و پس از آن «گوهرشاد»، دختر میرعماد، را ادامه‌دهنده راه پدر، پس از شهادت وی، می‌داند. سپس از «ام‌سلمه»، دختر فتحعلی‌شاه قاجار، یاد می‌کند و پس از شرحی مفصل‌تر از شخصیت و آثار وی در نهایت چنین می‌گوید:

بی‌تردید کیفیت آثار ام‌سلمه در خط نسخ این تصور را که زن‌ها نمی‌توانند هم‌تراز با مردها، اثر هنری بیافرینند باطل کرده است و نشان داد اگر زنان هم فراغت بیشتری داشته باشند و بقیه امور زندگی مانع تلاش آن‌ها نشود، خستگی‌ناپذیر می‌توانند تمامی مراحل عالی و حرفه‌ای هنر را طی کنند (همان).

وی از نویسنده کتاب در مقام زنی هنرمند، محقق، و پرتلاش در راستای معرفی آثار هنری زنان جامعه ایران به‌نیکی یاد می‌کند (همان).

پس از مقدمه چهار صفحه‌ای نعیمایی مقدمه نویسنده قرار دارد. قبل از متن مقدمه تیتراژ «تقدیم به تمامی عزیزان» و تکبیت «نیست بر لوح دلم جز الف قامت یار، چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم» از حافظ شیرازی آمده است. نویسنده در مقدمه به پیشینه فعالیت‌های خویش در عرصه نگارش هنر خوش‌نویسی، تحقیقات علمی، و برپایی نمایشگاه خوش‌نویسی از آثار زنان خوش‌نویس قاجاری اشاره می‌کند. وی نگارش این کتاب را قدردانی از آنانی می‌داند که در خلوت گم‌نامی خویش با ذوقی سرشار از ظرافت پنهان ماندند. ملا محمدی در پاراگراف بعدی از تمامی پژوهش‌گران که به لحاظ بار علمی همراهی‌اش کرده‌اند و مسئولان موزه‌ها و کتابخانه‌هایی که نمونه آثار را در اختیار ایشان قرار داده‌اند، تشکر کرده است.

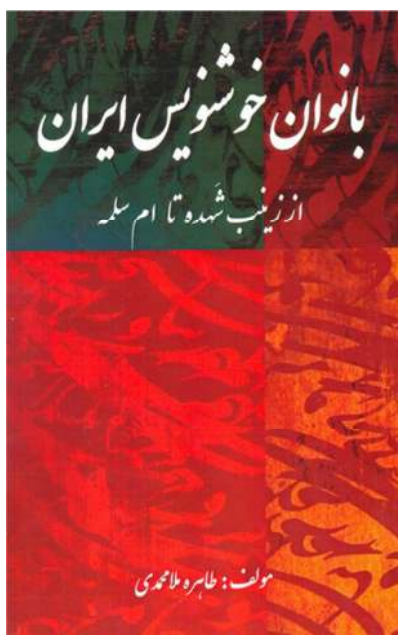
در صفحه فهرست پس از فرنام، مقدمه نعیمایی، و مقدمه نویسنده، موارد دیگر در ۴۲ بخش آمده است. در این میان، ۲۹ بخش معرفی بانوان خوش‌نویس ایرانی را در برمی‌گیرد که در کتب تاریخی از آن‌ها یاد شده یا آثاری از آنان در موزه‌ها و مجموعه‌های شخصی به‌جای مانده است.

۴. بررسی و تحلیل ابعاد شکلی اثر

قلم این کتاب نازنین و اندازه آن در خوانایی متن معقول و در صفحه‌بندی حجم مناسبی از نوشتار در یک صفحه جای گرفته است. نسبت به حجم مطالب، صفحه‌بندی و تعداد صفحات مناسب اختیار شده است و خواننده را خسته نمی‌کند. کیفیت چاپ تصاویر مطلوب و عکس‌های رنگی روی کاغذ گلاسه چاپ شده است. مقدمهٔ نعیمایی و نویسنده در روشن‌شدن ذهنیت و شفافیت موضوع و عنوان برای جلب خواننده به‌سوی کلیت مطالب کارکردی اساسی دارد. متن نوشتار به‌لحاظ ویژگی‌های نگارشی و ادبی روان است و در اکثر موارد دارای صفات و افعال صحیح و در کسب معیارهای لازم نوشتاری توفیق داشته است. به‌رغم این قابلیت، بدیهی است که انجام ویرایش فنی و اصولی و اصلاح برخی ارجاعات به پختگی بیش‌تر متن کمک‌شایانی می‌کند. همانند جملهٔ نعیمایی در پاراگراف آخر مقدمه که فعل «شده» در انتهای جمله به‌جای «آشنا شده» آمده است یا در صفحهٔ ۱۳۵ ارجاع درون‌متنی «مهناز رحیمی‌فر، ص ۱۴» سال پژوهش اعلام نشده است. متن اصلی کتاب از صفحهٔ ۱ تا ۱۴۱ بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه فصل‌بندی آمده است. در فهرست مطالب لیستی از رئوس مباحث به‌ترتیب در دو صفحه قرار گرفته است. ملاحظهٔ موضوعات داخل متن ایجاب می‌کند که مطالب کتاب حاضر حداقل در دو فصل مجزا آورده می‌شد. بخش اول با عنوان «فصل ۱: در خصوص پیدایش خط»، مراحل خوش‌نویسی و آداب آن، شیوهٔ خوش‌نویسی، قواعد عمومی و کلی خوش‌نویسی، ابزار خوش‌نویسی، نوشتن قرآن، سابقهٔ تذهیب و صفحه‌آرایی، کتابت، روش‌های سنجش نسخ خطی، روش‌های تشخیص اصالت یا جعلی‌بودن سند، ابداع خط و نقاشی ناخنی می‌توانست قرار گیرد. در فصل ۲ با عنوان معرفی زنان خوش‌نویس ایران، بانوان به‌ترتیب تاریخی معرفی شده‌اند. در تقدیم‌نامه آمده است: «تقدیم به تمامی عزیزان». این عبارت بسیار کلی است و بازگوکنندهٔ ویژگی خاص، فرد، یا افراد مخاطب و موضوع تخصصی کتاب نیست.

جلد کتاب به‌مثابهٔ پوشش و مظهری برای متن همراه کتاب بوده است و نوع ساخت و کیفیت بصری آن وابسته به موضوع و اهمیت کتاب از تنوع بالایی برخوردار می‌باشد. خوانایی، زیبایی و نوآوری از مهم‌ترین نکات مورد‌نظر در طراحی جلد هم‌سو با روحیه و محتوای کتاب است. ایجاد ارتباط میان روی جلد، عطف و پشت جلد از الزامات اجتناب‌ناپذیر در این زمینه خواهد بود. استفاده از فرم، فونت و رنگ سبب جذابیت خواهد بود (آرام‌بن و دیگران ۱۳۹۵: ۱).

در این کتاب طراحی جلد ترکیبی از سیاه‌مشق نستعلیق در چهار قطعه مستطیل رنگی است، با این حال ارتباط معناداری با موضوع اصلی و بحث تخصصی کتاب (بانوان خوش‌نویس) به ذهن متبادر نمی‌کند و عناصر بصری و فرمی ویژه‌ای مرتبط با محوریت زن هنرمند ندارد. نگارش عنوان و نام نویسنده به خط نستعلیق در سیستم کامپیوتری به‌رنگ سفید جنبه‌های زیبایی بصری جلد را تضعیف کرده است (تصویر ۱).



تصویر ۱. جلد کتاب

بهتر بود صفحه بسم‌الله با خط خوش یکی از بانوان هنرمند تزئین می‌شد و اطلاعات اثر از جمله نوع اثر، تاریخ، هنرمند، و محل نگهداری آن در زیر عکس می‌آمد. تناسب طول به عرض در برخی از تصاویر مانند تصویر ۶، ۱۰، ۱۹، و ۲۶ به هم ریخته است و طول و عرض تناسب ندارند. استفاده از نمونه‌های بیش‌تر جزئیات از بخش‌هایی از تزئینات نسخ در تکمیل وصف نسخه و جزئیات آن لازم می‌نماید.

۵. بررسی و تحلیل محتوایی اثر

این کتاب در تعیین نقش و جایگاه زنان در عرصه هنر خوش‌نویسی روشن‌گر مسیری مبهم در ورطه تاریخ است. جایگاهی که با ابهامات و پیچیدگی مواجه است. مبحث مهمی که

کتاب بانوان خوش‌نویس/ایران به روی مخاطب گشوده است، چالشی در مباحث مطالعات زنان، مسائل تاریخی، و وضعیت اجتماعی را پیش روی مخاطب می‌گذارد. بدین لحاظ بایستگی مطالعه و پژوهش در این عرصه بر کسی پوشیده نیست. به همین دلیل، در این مقاله به بررسی، تحلیل، و نقد محتوایی این کتاب پرداخته خواهد شد. به امید آن‌که در پژوهش‌های آتی پژوهش‌های پخته‌تر، کامل‌تر، و مؤثرتری ارائه شود. در بخش تحلیل محتوا ابتدا به نحوه فصل‌بندی و دسته‌بندی مطالب توجه شده، سپس کیفیت منابع بررسی شده، در بخش بعدی چگونگی معرفی تصاویر و ارتباط متن و تصویر شرح داده شده، و در بخش آخر محتوای متن، رسایی، و کارکرد آن در رسیدن به اهداف پژوهشی این کتاب مورد ملاحظه قرار گرفته است.

۱.۵ فصل‌بندی مطالب

نویسنده در عنوان‌های ابتدایی در ۲۷ صفحه از تاریخچه خط، شیوه‌ها و مراحل، انواع و ابزارهای آن اطلاعات جامع و روانی ارائه می‌دهد. خواننده ناآشنا را با متنی روان و قلمی شیوا به دریافت اطلاعاتی درباره عناصر خوش‌نویسی و نسخه خطی علاقه‌مند می‌کند. به نظر می‌رسد این مطالب می‌بایست در فصلی جداگانه اما کوتاه از معرفی هنرمندان قرار می‌گرفت و پیوستگی و توالی مطالب این بخش با آثار هنرمندان واضح بیان می‌شد. برای مثال، گزینش در انتخاب خط ناخنی به یقین برای آشناکردن مخاطبان ناآشنا با این خط است تا در بخش‌های بعدی، که بانوانی هم‌چون فخرجهان خانم و هما نقاش را در جایگاه خط‌ناخنی‌نویس در دوره قاجار نام می‌برد، مخاطب به نحوه کار و نوع خط آگاهی داشته باشد. اما علت بیان این نوع خط در میان انواع گسترده‌ای از خطوط شرح داده نشده است. انجام آن می‌توانست موجب انسجام مفهومی بیش‌تر در توالی مطالب شود. در معرفی هنرمندان خط و نقاشی ناخنی، نویسنده دوره تاریخی زندگانی بزرگان یادشده در این بخش را توضیح نداده است.

۲.۵ کیفیت منابع

ملا محمدی از ۲۱ کتاب، مقاله، و سایت استفاده کرده است. با توجه به سال نشر کتاب، استفاده از منابع جدیدتر می‌توانست اطلاعات به‌روز و روشن‌تری را در اختیار خوانندگان بگذارد. هم‌چنین اسناد و منابع تاریخی دست‌اول، که پژوهش‌های تاریخی به استناد آن‌ها

شکل می‌گیرد، کم‌تر به چشم می‌خورد. دهمین منبع کتاب هنر خط و زنان خوش‌نویس در تمدن اسلامی است که بانوی خوش‌نویس، عذرا عقیقی بخشایشی، در سال ۱۳۷۵ آن را نوشته و ویرایش اول آن را نشر آذربایجان در تبریز چاپ کرده است. باتوجه‌به پیشینه پژوهشی در این کتاب و نقاط قوت آن از حیث نحوه فصل‌بندی و معرفی بانوان خوش‌نویس، این منبع می‌توانست گام نخست باشد و در کتاب بانوان خوش‌نویس ایران هنر خوش‌نویسی و مسائل مربوط به زنان عمیق‌تر بیان شود. هم‌چنین عقیقی بخشایشی کتاب دیگری با عنوان زنان خوش‌نویس با همان محتوای کتاب پیشین را در سال ۱۳۸۸ با همکاری انتشارات کلهر به چاپ رسانید که در فهرست منابع کتاب موردنقد ذکر نشده است.

۳.۵ تصاویر به‌مثابه محتوا

در هیچ جای متن شماره تصویر ذکر نشده است. در مطالب چندصفحه‌ای درباره یک هنرمند و آثارش تصویر اثر بعد از متن آمده است. بهتر می‌بود که تصاویر در میانه متن و با ذکر شماره تصویر در متن ذکر می‌شد.

شماره‌گذاری زیرنویس تصاویر به حروف مصطلح نیست. ضمن این‌که فضای بیش‌تری را نیز اشغال می‌کند. زیرنویس تصاویر بسیار خالی از توضیحات پایه‌ای درباره آن تصویر است. نویسنده برای شناخت بهتر تصاویر بدون مراجعه به متن، می‌بایست داده‌های پایه‌ای هم‌چون نویسنده، نوع خط، نوع اثر، قدمت، و محل نگهداری را در زیر هر تصویر ذکر می‌کرد. معرفی آثار وحدت رویه ندارد. یک‌بار اول نوع خط می‌آید، مانند صفحه ۳۷ قطعه خط نستعلیق گوهرشاد خانم، دختر میرعماد قزوینی، و جای دیگر کشور، شهر، و محل نگهداری ابتدا می‌آید، مانند صفحه ۳۸ معرفی قرآن به خط مرجان. نام‌بردن از مواردی چون نوع اثر، قطع (اندازه)، محل نگهداری، شماره بازیابی، نوع خط، کیفیت خط، مضمون نوشتار، نوع کاغذ، رنگ کاغذ، تزئینات، تاریخ، کاتب، ابتدا و انتهای متن (ترقیمه)، تعداد صفحات، تعداد ستون، تعداد سطر، نوع و نقش حاشیه، جلد، سجع، و مهر و امضا به ترتیب در همه آثار به صورت متنی یا در قالب جداول بدون به نظم متن و انسجام مطلب در ذهن خواننده کمک می‌کند.

باتوجه‌به این‌که ملامحمدی از کارکنان کتاب‌خانه کاخ گلستان است و دسترسی راحت‌تری به جمع‌آوری بسیاری از نسخ خطی، قطعات، و رقعها دارد، استفاده از نمونه تصاویر بیش‌تر و جزءبرداری در روشن‌گری مطالب و کمک به دریافت توصیفات مفیدتر

می‌بود. برای برقراری ارتباط فضای ذهنی و نسخ خطی در مواقعی که در متن به مواردی چون رقم، امضا، و مهر کاتب اشاره می‌شود، همانند صفحات ۴۵ و ۶۵، استناد به جزئیات تصویر سجع مهرهای «بنت الشهنشاه السلطنه»، «مشیرالسلطنه»، «حسین بن هدایت‌الله»، و «رضا الحسینی» در خوانایی و فهم مطلب بسیار مؤثرتر می‌بود.

۴.۵ مفهوم‌پردازی و کارکرد محتوای متن

متن روان و سهولت نوشتار کتاب را برای گروه‌های سنی مختلف، اقشار هنرمند، و عموم غیرهنرمند کاربردی می‌کند. با وجود این، انسجام بیش‌تر در محتوای مطالب لازم است.

معرفی اولین بانوی خوش‌نویس در کتاب بسیار کوتاه است و درباره‌ی نوع خط و ویژگی‌های نوشتاری آن طرح مبحث نشده است. ضمن آن‌که نعیمایی در مقدمه اشاره می‌کند که زینب شهده، دختر ابن‌مقله شیرازی، ادیب، خوش‌نویس، مبتکر، و مبدع خطوط مختلف و وزیر عباسیان است، اما ملامحمدی در معرفی شهده فقط به دوره‌ی زندگی وی در دوران عباسی اشاره می‌کند. به نظر می‌رسد مباحث برای توضیح جای بیش‌تری داشته است.

نوشتن درباره‌ی زن، بدون نگاه ساختاری و کلی به گذر تاریخی، سرنوشت یک ملت یا یک دوره‌ی تاریخی جهانی امکان‌پذیر نیست (حسنوند و مهدی‌پور ۱۳۹۲: ۲۲؛ رهنورد ۱۳۸۵: ۴). نویسنده در جست‌جوی ویژگی‌های هنر زنان، که تجلی‌بخش هویت‌های زنانۀ آنان باشد، نبوده است. پرسش‌هایی چون آیا هنرمندان زن به زبان و بیانی ویژه دست یافته‌اند؟ عوامل اجتماعی و تاریخی قرن‌ها غیبت زنان در عرصه‌ی هنر چیست؟ این مهم مطرح است، همان‌طور که کسب علم و سوادآموزی برای زنان مطرح نبوده، هنرآموزی نیز برای جنس زن امری بعید به نظر می‌رسد، مگر در مواردی چون قالبی‌بافی، گلیم‌بافی، و گل‌دوزی که اغلب هنری به زنان عام جامعه مربوط است. زنان دربار اساساً کم‌تر به چنین فعالیت‌هایی اشتغال داشته‌اند. در این کتاب به وضعیت اجتماعی و فرهنگی زنان از دوران تاریخ هنر ایران، که در آن نامی از زنان هنرمند نیست، باید توجه کرد؛ این‌که چرا و چگونه در دوره‌ی قاجار حضور تعداد بسیاری از زنان هنرمند در عرصه‌ی خوش‌نویسی و کتابت را شاهدیم؟

بررسی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی زنان از مشروطه تا اواخر قاجار نشان می‌دهد انقلاب مشروطه توانسته بود، هرچند گذرا، طلوع عصری جدید را برای اراده‌ی کشور، فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، و آموزشی نوید دهد. از ره‌آوردهای انقلاب مشروطه، که

تا دوران پهلوی ادامه یافت، شکل‌گیری تدریجی جنبش زنان و طبقات اجتماعی متنوع بود. مشروطه دربار را به دولت ملی و رجال را به مردم تبدیل کرد. از این‌رو، حضور زنان در عرصه اجتماعی بیش از گذشته افزایش یافت. توجه زنان نخبه و خانواده‌های تراز اول به لزوم آموزش به زنان تأسیس مطبوعات و تشکیل انجمن‌های مختلف زنان را در پی داشت و در نهایت به مشارکت‌های سیاسی و اقتصادی بیش از پیش زنان در اواخر قاجار انجامید. با افزایش زنان تحصیل‌کرده و نیز آگاه به جایگاه خویش و طلوع تدریجی طبقه متوسط، سطح فرهنگ خانواده‌ها فزونی یافت. حضور عکاسی و سینماتوگراف در اواخر قاجار بسیاری از هنرهای را در دیدگاه و چشمان مردان فرنگ‌نرفته و نیز زنان محجور در کنج خانه‌ها تغییر داد و تدریس هنر در مقطع متوسطه از این دوره آغاز شد. با وجود مشارکت زنان در روند انقلاب مشروطه با پیروزی آن، زنان به کناری زده شدند، اما آنان هرگز از پای ننشستند و با تمام قوا به یادآوری نقش اجتماعی خود به مجلس و دربار کوشیدند. در این عصر، زنان خاندان‌های بزرگ و متجدد علاوه بر اشتغال به شعر، خوش‌نویسی، و صنایع دستی، ساز می‌نواختند و نقاشی می‌کردند. توجه آن‌ها به هنر و حمایتشان از آن در تاریخ ثبت شده است و آثارشان از جمله خط‌ناخنی و نگارگری ناخنی در گنجینه کاخ گلستان نگهداری می‌شود (علی‌پور و دادور ۱۳۹۴: ۱۷۴).

در صفحه ۴۴ از نوش‌آفرین انصاری یاد می‌شود، اما از جایگاه ایشان در این کار پژوهشی اطلاعی داده نمی‌شود. عکس ایشان نیز با فاصله بسیار زیاد در انتهای کتاب صفحه ۱۴۱ بدون توضیح آورده شده است.

در انتهای تمام نمونه‌هایی که به منظور معرفی آثار هر بانوی خوش‌نویس آورده شده است، قسمتی به نام توضیحات آمده که در آن به محل نگه‌داری اثر اشاره می‌کند. محل نگه‌داری اثر امری مجزاست که می‌تواند با عنوان محل نگه‌داری آورده شود. عنوان محل نگه‌داری در زمره توضیحات متفرقه قرار نمی‌گیرد.

صفحه ۴۷ یک صفحه کامل را فقط به یک جمله کوتاه، که در ادامه مطالب صفحه قبل بوده، اختصاص داده است و باز در صفحه بعدی تصویری تک از صفحه افتتاح قرآن ضیاءالسلطنه آورده شده است. درحالی‌که اجماع تصویر و یک خط مطلب در یک صفحه به راحتی ممکن است. امر اجماع در صفحه ۵۶، که دو خط نوشته دارد و در صفحه ۵۷ با یک صفحه کامل تصویر نیز صدق می‌کند. مطالب اندک صفحات ۱۳۱ و ۱۳۲ می‌تواند با کم‌کردن تناسبات تصویر هم‌راه متن در صفحه ۱۳۱ قرار بگیرد.

نقدی بر کتاب بانوان خوش‌نویس/ایران، ... (مصطفی رستمی و معینه‌السادات حجازی) ۱۳۳

برخی از واژگان، اصلاحات، و نکات پی‌نوشت یا پانوست نیاز دارد؛ مانند صفحه ۵۱ درباره قرآن ضیاء السلطنه که وقف مقبره فتحعلی‌شاه قاجار شده است. برای روشن‌شدن محل مقبره و ویژگی‌های معماری و زیبایی‌شناسی آن توضیحاتی در پانوست تکمیل‌کننده است. یا در صفحه ۵۹ هنگام ذکر نام «محمدعلی مصباحی نائینی»، صاحب کتاب *مدینه‌الادب*، برای آشنایی با نویسنده و کتاب ذکر توضیحی مختصر در پانوست ضروری است.

جملات به زبان عربی در صفحات ۶۶، ۷۳، ۹۰، ۹۳، ۹۹، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۲۲، ۱۳۷، و ۱۴۱ به‌همراه معنی فارسی در متن یا پانوست می‌توانست کامل‌تر باشد. صفحه ۱۳۸ ذکر نام «خیرات حسان» بدون هیچ معرفی از نویسنده و دوره آن برای بسیاری از خوانندگان پرسش‌بی‌پاسخ می‌نماید.

توضیحات بخش‌های ابتدایی درباره مبانی اولیه تاریخی و آشنایی با هنر خوش‌نویسی، با توجه به این‌که بخش زیادی از مخاطبان کتاب محققان و متخصصان فن‌اند و با تاریخ و اصلاحات آشنایی دارند و نیز برای جلوگیری از تکرار مکررات غیر ضروری در هنگام معرفی شخصیت هنرمند و آثارش، هرگاه به واژه و اصطلاحی تخصصی و ناآشنا مواجه می‌شود، شایسته است توضیحات در پانوست همان صفحه در زیر متن قرار گیرد.

در صفحه ۱۰۵ خط آخر معرفی مرقع خط و تصویر ناخنی از فخرجهان چنین آمده است: «مطابق ثبت کتابچه کتابخانه مبارکه است اودئیل ۱۱۸۲». اودئیل به معنی دومین سال از سال‌های دوازده‌گانه تقویم ترکی سال گاو است. چنین کلمات منسوخ و ناآشنایی قطعاً به ذکر توضیحات در متن یا پانوست نیاز دارد.

سؤال دیگر این‌که آیا از زنان هنرمند درباری دوره قاجار (در آن زمان دوربین عکاسی نیز به کشور وارد شده بود) عکس یا نگاره‌ای به‌جای نمانده است که در هنگام معرفی شخصیت آن‌ها تصویر خودشان آورده شود؟

۶. نتیجه‌گیری

خواندن کتاب *بانوان خوش‌نویس ایران؛ از زینب شهده تا ام‌سلمه* نوشته طاهره ملامحمدی با وجود برخی کاستی‌ها دل‌نشین است. بررسی موضوعی جدید در حیطه فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، و هنری زنان و جسارت نویسنده در این‌باره ستودنی است و این خود آغاز راهی مبارک است.

نویسنده تصویر دیگری از زن ایرانی به دست داده است. به‌ویژه تصاویر عکس‌های عکاس‌خانه شاهنشاهی دوره قاجار جامعه‌ای از زنان اندرون حرم‌سرا با دغدغه لباس فرنگی، رقص، قلیان، و... را بیش‌تر به‌نمایش می‌گذارد. ملامحمدی در کتاب خود از چهره گم‌نامی زنانی هنرمند، فرهیخته، و فاضل نقاب برمی‌دارد که نه فقط کتابت‌کننده که شخصیت‌هایی امین، بانفوذ، و تأثیرگذارند. این امر به ایجاد باورمندی و نیاز جامعه زنان و مردان جوان و نوجوان ایرانی در بازیابی هویت‌های اجتماعی‌شان و توان‌مندی‌های تأثیرگذار در جامعه بسیار مؤثر واقع می‌شود.

کتاب *بانوان خوش‌نویس ایران* نقطه شروعی برای طرح مباحث مربوط به آفرینش‌های هنری زنان در ایران است. این کتاب به‌شیوه توصیفی منابع و نمونه آثار خوش‌نویسی زنان هنرمند ایران را به‌صورت میدانی و کتاب‌خانه‌ای گردآوری کرده است. کاستی‌هایی که در زمینه بررسی زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، سیاسی، و اقتصادی در تاریخ جغرافیای ایران زمین رخ داده است، کتاب را در سطح اثری توصیفی نگه می‌دارد و ضعف جدی در این زمینه دیده می‌شود. کوشش ملامحمدی در قدم‌نهادن در مسیری تازه، که پیش از این مورد توجه هنرمندان و پژوهش‌گران واقع نشده بود و ایشان نخستین بار وضعیت خوش‌نویسی بانوان ایرانی طی تاریخ دوران اسلامی را جست‌وجو و کنکاش کرده است، جای تقدیر بسیار دارد. ایشان از پژوهش‌های تئوری پایان‌نامه خود بهره جسته و با فعالیت‌هایی نظیر نگارش کتاب، برپایی نمایشگاه، و برگزاری کارگاه آموزشی برای معرفی تاریخ و هنر خوش‌نویسان زن ایرانی گام‌های مؤثری برداشته است.

اضافه کردن بخش‌هایی به زبان انگلیسی می‌تواند محتوای این کتاب را در دسترس غیرفارسی‌زبانان نیز قرار دهد و بخشی از فعالیت‌ها و اثربخشی زنان ایرانی در دوران تاریخی را به جهان عرضه و ذهنیت عام درباره انفعال زنان در جامعه سنتی ایران را تعدیل کند.

کتاب‌نامه

آرام‌بن، فرشته، شهریار اسدی، و مهدی صنوبر (۱۳۹۵)، «طراحی حروف جلد کتاب در آغاز هزاره سوم»، سومین کنفرانس جهانی مدیریت، اقتصاد حساب‌داری و علوم انسانی در آغاز هزاره سوم، شیراز، با همکاری مشترک دانشگاه علمی کاربردی آذین شوشتر، دانشگاه زرقان، واحد پژوهش دانش‌پژوهان همایش آفرین:

<https://www.civica.com/Paper-MEAHBTM03-MEAHBTM03_221.htm>.

احمدی، زهت (۱۳۸۳)، «نقش زنان در ایجاد بناهای مذهبی در پایتخت صفویان»، *بانوان شیعه*، ش ۱.

نقدی بر کتاب بانوان خوش‌نویس ایران، ... (مصطفی رستمی و معینه‌السادات حجازی) ۱۲۵

- بلخاری، حسن (۱۳۸۹)، «زن و هنر»، مطالعات راه‌بردی زنان (کتاب زنان)، ش ۴۷.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۷۶)، هنر مقدس: اصول و روش‌ها، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش.
- جمشیدی، حمیدرضا (۱۳۸۵)، آموزش جامع خوش‌نویسی، تهران: نشر بیهق.
- حسنوند، محمدکاظم و فروغ مهدی‌پور (۱۳۹۲)، «بررسی شش دوره نمایشگاه تجلی احساس»، جلوه هنر، ش ۹.
- رابرتسون، ایان (۱۳۷۷)، درآمدی بر جامعه: تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی و کنش متقابل نمادی، ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.
- رهنورد، زهرا (۱۳۸۵)، «جایگاه زن در هنرهای تجسمی امروز ایران»، مطالعات زنان، ش ۱.
- علی‌پور هریس، آزاده و ابوالقاسم دادور (۱۳۹۴)، «زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر فعالیت‌های زنان نقاش دوران پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ش)»، زن در فرهنگ و هنر، ش ۲.
- مرادی، علی‌رضا (۱۳۹۶)، «درآمدی بر جامعه‌شناسی تاریخی تقاضای اجتماعی آموزش در ایران»، پژوهش در نظام‌های آموزشی، ش ۳۶.
- ملا محمدی، طاهر (۱۳۹۳)، بانوان خوش‌نویس ایران، از زینب شهیده تا ام‌سلمه، تهران: سمیرا.

